

انسانیت‌زدایی در سیاست و مذهب

جستار‌گشایی

چرا علی خامنه‌ای معترضان معیشتی را "حشره"، "خس و خاشاک"، "علف هرز"، "کاغذ مچاله"، "اوباش"، "اشرار"، "مفسد" یا "محارب" می‌خواند؟ کارکرد این سخنان چیست و بر نیروهای سرکوبگر چگونه تاثیر می‌گذارد؟ این پدیده چیست، اندیشمندان آنرا چگونه می‌بینند و تجربه‌های مشابه آن در جهان کدام است؟

در این نوشته با بررسی انسانیت‌زدایی¹ به کرامت‌زدایی، حیوان‌نمایی، اهریمن‌نمایی و شی‌گونه‌پنداشتن و ماشین‌پنداشتن انسان‌ها و انگیزه‌ها و کاربردهای اجتماعی و سیاسی آن می‌پردازم.



دیگو منتو زاپاتا² پزشک و فیلسوف اسپانیایی در زنجیر دادگاه تفتیش عقاید و بکنش آنتین شاعر و فیلمساز ایرانی در زنجیر دادگاه انقلاب اسلامی

مفهوم انسانیت‌زدایی

هر فرآیند یا کنشی که انسان‌ها را به سطح اشیاء، ماشین یا حیوانات تقلیل دهد، به ویژه با انکار خودمختاری، فردیت، توانایی، کرامت، احساسات و عواطف انسانی فرد، انسانیت‌زدایی است.

انسانیت‌زدایی، نفی انسانیت در دیگران و ندیدن و توجیه ستم، زورگویی، بیداد و رنجی است که با آن همراه است. نگاه‌کردن و رفتارکردن با دیگران به گونه‌ای که گویا آنها فاقد ظرفیت‌های ذهنی و احساسی هستند که طبق معمول یک انسان دارد. در این تعریف، هر عمل یا فکری که یک فرد را کمتر، بی‌توانایی‌تر، بی‌درک‌تر و بی‌احساس‌تر، بی‌احترام‌تر و بی‌کرامت‌تر از انسان بداند، انسانیت‌زدایی است. به بیان دیگر، با انسانیت‌زدایی، انسان را به چیزی ساده‌تر که فاقد ویژگی‌های انسانی است که ما انسان‌ها داریم تقلیل می‌دهند.

انسانیت‌زدایی یکی از شگردهای و راهکارهای برانگیختن و بسیج نیرو برای سرکوب و نسل‌کشی است. این روش برای توجیه و درست‌نشان‌دادن جنگ‌ها، کشتارهای مذهبی و فراقانونی، برده‌داری، نابرابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مصادره اموال دیگران، محرومیت از حق رای و سایر حقوق انسانی و حمله به دشمنان یا مخالفان سیاسی و مذهبی استفاده می‌شود.

از نظر رفتاری، انسانیت‌زدایی بر خوردی نسبت به دیگران است که فردیت و انسانیت آدم‌ها را تحقیر می‌کند و می‌توان آنرا متضاد شخصیت‌بخشی³، جان‌بخشی به اشیاء و دادن صفتهای انسانی یا رفتار انسانی با جانوران درک کرد. فردی می‌تواند برای سگ خود نام انتخاب کند، او را به آرایشگاه ببرد، برایش جشن تولد بگیرد ولی مخالف سیاسی و یا مذهبی خودش را حشره بخواند و برای او هیچ حق، حقوق و احترامی قائل نباشد.

از نظر علوم سیاسی و نظریه‌پردازی حقوق^{iv}، انسانیت‌زدائی پامال‌کردن حقوق بشر یا حقوق طبیعی انسان که شمول بین‌المللی دارد و حق مسلم همه‌ی ژنگان^v انسانی است و جایگزین کردن آن با تعریفی بر اساس هنجارهای اجتماعی یک محدوده‌ی جغرافیایی یا منافع و اعتقادات یک گروه انسانی معدود است.

اصطلاح «انسانیت‌زدایی» در اوایل قرن نوزدهم ابداع شد و از آن زمان به بعد معانی گسترده‌ای پیدا کرد. این موارد عبارتند از: رفتار تحقیرآمیز با افراد خاص، نامیدن آنها به عنوان حیوانات یا به عنوان اشیاء بی‌جان، انکار داشتن ویژگی‌های انسانی، رفتار تحقیرآمیز با آنها که باعث شود که خود را کمتر از انسان احساس کنند، منکر داشتن حالات ذهنی و روانی سالم.

در جنبش کارگری، اصطلاح کالاسازی^{vi} در مورد نوع خاصی از انسانیت‌زدایی به کار می‌رود. کالاسازی فرآیندی را توصیف می‌کند که انسان، ایده‌ها، خدمات و تولیدات را به کالا تبدیل می‌کند. انسان در بازار کار به حراج گذاشته می‌شود و کمترین بها خرید و فروش می‌شود. با کالایی‌شدن، انسان هم به شیء تبدیل می‌شود و هم غیرانسان.

انسانیت‌زدایی در تاریخ

شواهد تاریخی نشان می‌دهد مردم دست کم از آغاز تمدن، از دیگران انسانیت‌زدایی کرده‌اند. در ادبیات مصر باستان، بین‌النهرین و چین به دشمنان و بیگانگان به عنوان موجودات مادون انسانی اشاره شده است. همچنین در فرهنگ‌مردمی مردم سراسر جهان نشانه‌هایی از انسانیت‌زدایی دشمنان و بیگانگان وجود دارد. (Smith, 2014)

در تاریخ، توجیه‌های فراوان نظری برای انسانیت‌زدایی می‌بینیم. یک نمونه آن تقسیم انسان‌ها به «انسان کامل» و «انسان ناقص» است (تقسیم‌بندی انسان‌ها به مومن و کافر شبیه به آن است). انسان کامل (یا مومن) به استناد کامل بودنش (یا ایمانش)، دارای امتیازات حقوقی می‌شود و مشروعیتی برای اعمال قدرت بر انسان ناقص می‌یابد. برده‌داری رومیان باستان، جنگ‌های صلیبی مسیحیت، جنگ‌های جهادی اسلام، استعمار سیاه‌پوستان آفریقا، نسل‌کشی سرخ‌پوستان ساکنان بومی قاره آمریکا، رفتار خشن و تحقیرآمیز استعمارگران اروپایی نسبت به مردم آسیا و آفریقا و بسیاری از بیدادگری‌های دیگر تاریخ انسان ریشه در همین اندیشه خطرناک انسانیت‌زدایی دارد.

هنگامی که مردم دیگران را انسانیت‌زدایی می‌کنند، آنها را موجودات مادون انسان یا اشیاء بی‌جان می‌دانند نه یک انسان. جهادگران مسلمان غیرمسلمانان، دو طرف جنگ‌جویان صلیبی همدیگر و مهاجران اروپایی به قاره آمریکا بردگان آفریقایی و بومیان آمریکایی را کمتر از انسان تصور می‌کردند و اخیراً نسل‌کشان رواندا قربانیان خود را سوسک و مار توصیف می‌کردند و اعضای حزب نازی آلمان پهلودیان را موجودات خطرناکی شبیه به حیوانات موزی می‌دانستند. علی‌خامنه‌ای مخالفان سیاسی خود را حشره می‌خواند.

همواره در زندگی انسان‌ها رقابت بر سر تصاحب منابع و بهره‌مندی از مواهب طبیعی و اجتماعی وجود داشته و دارد. در این رقابت زیستی و زمینی، عده‌ای خشونت و حذف فیزیکی رقیب را برمی‌گزینند. آسیب رساندن به انسان و خشونت‌ورزیدن برای یک انسان سالم، با فشار روحی و بار روانی زیادی همراه است. برای کاستن این عذاب وجدان و از بین بردن یا کاهش فشار روانی، رهبران به روش‌های گوناگونی بکار می‌گیرند که بنیان آن «ما» و «آنها» کردن است و سپس آنها را از دایره انسان خارج کردن، یعنی انسانیت‌زدایی. این ما و شما در سطوح مختلف به روستا، شهر، قبیله، کشور ما و آنها و مذاهب و ادیان ما و آنها قابل بکارگیری است.

رهبران مذهبی به گسترش ادیان که در بنیان تصاحب نعمات مادی دیگران است، جنبه الهی دادند و باورمندان به مذهب خویش را انسان‌های کامل و خدانشناس و رقیبان را انسان‌های ناقص و کافر می‌نامند.

مسیحیت و اسلام در انسانیت‌زدایی تاریخی طولانی و روش‌ها و اندیشه‌های بسیار شرم‌آوری دارند.

انسانیت‌زدایی در زندگی روزمره

انسانیت‌زدایی در اندیشه‌ها، رفتار و کردار روزمره ما موج می‌زند.

ناسزا گفتن و نام حیوانات بر انسان نهادن، انسانیت‌زدایی عام و روزمره ماست. وقتی کسی را با گفتن خوک کتیف، تخم‌سگ یا ماچه سگ تحقیر می‌کنیم، راه را برای اعمال خشونت و کاهش بار روانی خشونت خود باز می‌کنیم.

وقتی در برخورد با کسی در چشمان او نگاه نمی‌کنیم و یا چشم انسان دیگر را می‌بندیم، راه را برای کاهش بار روانی و اعمال خشونت باز می‌کنیم.

پژوهش روان‌شناسانه‌ی انسانیت‌زدایی

مورگان گادوین، کشیش انگلیکان ^{vii} قرن هفدهم میلادی برای نخستین بار انسانیت‌زدایی را به‌عنوان یک پدیده روان‌شناختی توصیف کرده و نوشته است که برده‌داران معتقد بودند که آفریقایی‌ها «موجوداتی بدون روح انسانی هستند، باید در ردیف جانوران وحشی رده‌بندی شوند و بر این اساس با آنها رفتار شود».

دیوید هیوم ^{viii} فیلسوف اسکاتلندی نیز در سال ۱۷۳۸ در «رساله طبیعت انسان» ^{ix} به تمایل ما انسان‌ها به انسانیت‌زدایی دشمنان اشاره کرد.

در دوران معاصر، در دهه ۱۹۹۰ ژاک فیلیپ لاینز ^x به بررسی ژرف‌تر و روان‌شناسانه‌ی انسانیت‌زدایی پرداخت. لاینز نگرش‌هایی که روان‌شناسان «درون‌گروهی» (گروه خودی) و «برون‌گروهی» (گروه غیرخودی) ^{xi} می‌نامند را مورد مطالعه قرار داد. درون‌گروه شامل همه افرادی که «یکی از ما» شمرده می‌شوند، و برون‌گروه شامل افرادی هستند که ما آنها را «یکی از آنها» در نظر می‌گیریم. لاینز نشان داد ما تمایل داریم افراد برون‌گروه خود یا غیرخودی را فقط دارای احساسات و هیجان‌های «اولیه» ^{xii} و افراد درون‌گروه را دارای احساسات و هیجان‌های «ثانویه» ^{xiii} هم بدانیم. لاینز این یافته‌ها را به گونه‌ای تفسیر کرد که نشان می‌دهد ما تمایل داریم اعضای برون‌گروه را «کمتر انسان» نسبت به اعضای درون‌گروه بدانیم. او این پدیده را که انسان‌های دیگر را چون حیوانات نگاه می‌کنند را پست‌تر-ان-انسان‌انگاری ^{xiv} می‌نامد.

نیوکلاس هاسلم ^{xv} پژوهش‌های لاینز را از چندین جنبه بنیادی ژرف‌تر و گسترش داد. مهم‌تر از همه، هاسلم استدلال می‌کند که ما دو مفهوم متمایز از انسان‌بودن داریم، که هر کدام انسان‌زدایی متناظر خود را دارد. صفات طبیعی انسان ^{xvi} آن ویژگی‌های احساسی هستند که ما با حیوانات غیرانسان مشترکیم و ما انسان‌ها و حیوانات را از اشیاء بی‌جان متمایز می‌کند. ولی، ما صفات منحصر به فرد انسانی ^{xvii} هم داریم، ویژگی‌هایی که ما را از سایر حیوانات متمایز می‌کنند. وقتی صفات طبیعی انسانی افراد را انکار می‌کنیم، آنها را ماشین یا حتی اشیاء بی‌جان در نظر می‌گیریم که هاسلم آن را انسان‌زدایی مکانیکی ^{xviii} می‌نامد. هنگامی که ما صفات منحصر به فرد انسانی هستند افراد را انکار می‌کنیم، آنها را به عنوان حیوانات در نظر می‌گیریم، که هاسلم این شکل از انسانیت‌زدایی را انسانیت‌زدایی حیوانی ^{xix} می‌نامد. (Haslam, 2006)

کم و بیش، تمام پژوهشگران همه‌نظرند که انسانیت‌زدایی با خشونت وسیع علیه توده‌ها و نقض حقوق بشر پیوندی تنگاتنگ دارد. انسانیت‌زدایی باعث می‌شود که افراد از نظر اخلاقی نسبت به سوء استفاده و نقض حقوق انسان‌ها بی‌تفاوت شوند. در نظر گرفتن افراد دیگر به عنوان اشیا یا حیوانات، رفتار غیر اخلاقی، توهین و خشونت نسبت به آنها را به گونه‌ای مجاز می‌سازد که آن رفتار با انسان‌ها و همنوعان غیر مجاز است.

انسانیت‌زدایی عامل اصلی خشونت بین‌گروهی در نظر گرفته می‌شود، زیرا غالباً مهم‌ترین پیش‌درآمد برای طرد اخلاقی است، فرآیندی که طی آن گروه‌های بدنام می‌شوند یا انگ زده می‌شوند، خارج از محدوده‌ای قرار می‌گیرند که در آن ارزش‌های اخلاقی، قوانین و ملاحظات انسانی و انصاف باید اعمال شود.

سرهنگ دیو گروسمن نشان داده است که بدون حساسیت‌زدایی و انسانیت‌زدایی کشتن یک انسان دیگر، حتی در جنگ یا در خطر تهدید جانی قرار داشتن، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. (Grossman, 1996)

انسانیت‌زدایی نژادی و قومی

انسانیت‌زدایی اغلب در نتیجه ناسازگاری و درگیری بین گروه‌ها رخ می‌دهد. در فرهنگ عامه و تبلیغات دولتی، بیشتر موارد، اقوام و نژادهای دیگر به عنوان حیوانات و جانوران معرفی می‌شوند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌های سفید پوست، آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار را با میمون‌ها مرتبط می‌کنند. یک فرد دارای این ارتباط حیوان است و خشونت علیه او مجاز. به عنوان مثال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تصمیمات هیئت منصفه‌های دادگاه‌های امریکا برای اعدام متهمان برای سیاه‌پوستان درصد بیشتری دارد تا سفیدپوستان (Goof, 2008).

از نظر تاریخی، انسانیت‌زدایی اغلب به جنگ‌های قومی و مذهبی و نسل‌کشی‌ها و اشغال سرزمین‌ها مرتبط است، زیرا ایدئولوژی‌ها، حاکمان و متجاوزان برای بسیج و ادامه‌ی جنگ‌ها، سلطه‌ها و سرکوب‌ها نیاز دارند که قربانیان را به‌عنوان حیوانات و جانوران، چون حیوانات موذی و جوندگان معرفی کنند.

مهاجران نیز ممکن است به همین شیوه انسانیت‌زدایی شوند.

شوربختانه این خودی و غیر خودی‌کردن‌ها در ایران گسترده است. نه تنها عمومیت‌بخشی و پیش‌داوری‌ها بین اقوام و زبان‌ها وجود دارد، حتی بین شهرهای هم‌زبان و روستاهای همسایه نیز دیده می‌شود.



پوستر تبلیغاتی دولت ایالات متحده دوران جنگ جهانی دوم که یک سرباز ژاپنی را به صورت موش نشان می‌دهد.

انسانیت‌زدایی رسانه‌محور

رسانه‌های بازرگانی می‌توانند کارزارهای تبلیغاتی بزرگ و موفقیت‌آمیز انسانیت‌زدایی برای سودآوری شرکت‌ها اجرا کنند.

رسانه‌های دولتی نیز قادر به اجرای کارزارهای تبلیغاتی بزرگ و موفقیت‌آمیز انسانیت‌زدایی، چه در نظام دموکراسی و چه در دیکتاتوری‌ها هستند.

انسانیت‌زدایی در علم، پزشکی و فناوری

در دوران کنونی ما حتی شاهد انسانیت‌زدایی در علوم و فناوری هستیم که منجر به پژوهش‌های علمی غیراخلاقی شده است. آزمایش‌های سیفلیس در تاسکیگی و آزمایش‌های انسانی نازی‌ها بر روی یهودیان دو نمونه برجسته هستند.

پژوهش‌های سیفلیس در تاسکیگی توسط سازمان خدمات بهداشت عمومی آمریکا^{xx} در تاسکیگی و در زمینه بررسی سیر طبیعی بیماری سیفلیس در سال ۱۹۳۲ در ایالت آلاباما شروع شد. این پژوهش‌ها زمانی که سیفلیس شیوع گسترده داشت و هیچ نوع درمان مطمئن و موثری برای آن وجود نداشت بر روی مردان آمریکایی آفریقایی‌تبار آغاز شد.

سال ۱۹۴۷، پنی‌سیلین به عنوان درمان مؤثر سیفلیس شناخته شد و به‌طور گسترده‌ای برای درمان این بیماری بکار گرفته شد. با این حال، پژوهشگران به مطالعه خود روی سیاه‌پوستان تا سال ۱۹۷۲ ادامه دادند و به افراد مورد آزمایش پنی‌سیلین ندادند. انتشار اطلاعات در مطبوعات منجر به خاتمه‌یافتن آن در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ گردید. این پژوهش باعث مرگ ۱۲۸ نفر از شرکت‌کنندگان در آن پژوهش به واسطه‌ی سیفلیس و یا عوارض ناشی از آن شد.

آزمایش‌های انسانی نازی‌ها رشته آزمایش‌های پزشکی بر شمار زیادی از زندانیان، از جمله کودکان، در اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی در اوایل تا میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۴۰ در جریان جنگ جهانی دوم و هولوکاست بود. جمعیت‌های اصلی مورد آزمایش شامل کولی، لهستانی، اسرای شوروی، آلمانی‌های معلول، و بیش از همه، یهودیان از سرتاسر اروپا بودند.

پزشکان نازی و دستیارانشان زندانیان را مجبور به شرکت در پژوهش‌ها می‌کردند که داوطلب نبودند و از آنها اجازه هم نمی‌گرفتند. بیشتر آزمایش‌ها منجر به مرگ، ترومای حاد، مسخ یا معلولیت دائمی می‌شدند و در زمره‌ی شکنجه‌ی پزشکی قرار می‌گیرند.

در اردوگاه آشویتس و اردوگاه کار اجباری ماوتهاوزن^{xxi} و دیگر اردوگاه‌ها، زندانیان را تحت آزمایش‌های متفاوت قرار می‌گرفتند تا به نظامی‌های آلمان در شرایط جنگی کمک کنند، سلاح‌های تولید کنند، در بهبود نظامی‌های مجروح کمک کنند، و به پیشبرد ایدئولوژی نژادی نازی یاری رسانند.

پس از جنگ، مجرمان در دادگاهی موسوم به دادگاه پزشکان محاکمه شدند. تنفر از سوء استفاده‌ها منجر به ایجاد آئین‌نامه نورنبرگ اخلاق پزشکی شد و امروزه، هیئت‌های بررسی سازمانی برای محافظت از کرامت انسانی افراد در پژوهش‌ها وجود دارد.

انسانیت‌زدایی در طول تاریخ به بهانه «پیشرفت علم» رخ داده است. در نمایشگاه جهانی سنت لوئیس در سال ۱۹۰۴، باغ‌وحش‌های انسانی از قبایل سیاه‌پوستان جهان را به نمایش گذاشتند که مشهورترین آنها یک مرد جوان از کنگو به نام اوتا بنگا^{xxii} بود. بنگا به نمایش گذاشته می‌شد که "نژاد تحقیر شده و منحط" را به عموم نشان دهد. در این دوره، مذهب همچنان موتور محرکه بسیاری از فعالیت‌های سیاسی و علمی بود. به همین دلیل، اصلاح نژاد انسانی به‌طور گسترده در میان جوامع علمی، شخصیت‌های سیاسی و نخبگان صنعتی ایالات متحده مورد حمایت بود. پس از انتقال نمایشگاه به نیویورک در سال ۱۹۰۶، با اعتراض عمومی مردم، منجر به ممنوعیت دائمی و بسته شدن باغ وحش‌های انسانی در ایالات متحده شد.

انسانیت‌زدایی با مصادره اموال

انسانیت‌زدایی و به رسمیت نشناختن انسانیت فرد معمولان با تهمت‌زدن، هتک حرمت و حیثیت و مصادره اموال همراه است.

در دوران تفتیش عقاید در اسپانیا، اموال متهمان به کفر و بدعت را حتی قبل از محاکمه مصادره می‌کردند و برای تأمین هزینه‌ی زندان متهم استفاده می‌کردند.

از زمان تأسیس، ایالات متحده مکرراً از بومیان آمریکا هتک حیثیت شده و سرزمین‌های آنها با خشونت همراه با نسل‌کشی تصاحب شد. حتی اخیراً در سال ۲۰۱۳، سازمان خدمات جنگلداری ایالات متحده با تخریب یک کوه که برای مردم هوپی^{xxiii} مقدس بود و با پاشیدن برف مصنوعی ساخته شده از فاضلاب بر قله آن به آنها بی‌احترامی کرد.

قتل عام نژاد تولسا^{xxiv} در سال ۱۹۲۱ نیز یک اقدام هتک حیثیت و انسانیت‌زدایی بود. شورش‌گران سفیدپوست با حمله، غارت و تخریب خانه‌ها و مکان‌های کسب و کار در گرین‌وود، محله‌ی «بلک وال استریت» که عمدتاً سیاه‌پوست‌نشین بود، از آنها انسانیت‌زدایی کردند.

در دوران هولوکاست، نسل‌کشی گسترده - که خشن‌ترین شکل انسانیت‌زدایی است - با تخریب و مصادره اموال یهودیان همراه بود.

کارگران مهاجر غیرقانونی در ایالات متحده و کشورهای دیگر، زمانی که کارفرمایان آنها را با شرایط کاری نامناسب به کارهای خطرناک می‌گمارند با آنها مثل ماشین برخورد می‌شود، به آنها بی‌احترامی و از آنها انسانیت‌زدایی می‌شود. هنگامی که شرایط سخت کاری منجر به آسیب بدنی یا مرگ شود، مثل اینکه بخشی از اموال و اشیای کارفرمایان از بین رفته است.

حکومت اسلامی از آغاز تا امروز با اخراج دگراندیشان و مصادره اموال مبارزان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی از آنها و خانواده‌های آنها انسانیت‌زدایی کرده است. همین روزها رسانه گزارش دادند، دادگاهی در استان مازندران با استناد به "فتوای مراجع تقلید" مبنی بر "مشروع نبودن اموال بهائیان" حکم داده است که ملک شیدا تائید، شهروند بهائی ساکن شهرستان قائمشهر، به نفع "ستاد اجرائی فرمان امام" مصادره شود.

انسانیت‌زدایی در سیاست‌های غرب

در روم باستان، هر کس که شهروند رومی نبود، خطر برده شدن او را تهدید می‌کرد؛ دارایی‌ها محسوب می‌شد و در بازار برده‌فروشی به حراج و یا مزایده گذاشته می‌شد.

در اعلامیه استقلال ایالات متحده از بومیان آمریکا به عنوان "سرخ‌پوستان بی‌رحم و وحشی" انسانیت‌زدایی شد. پس از «قتل عام زانوی زخمی»^{xxv} که بیش از ۳۰۰ نفر زن، مرد و کودک سرخ‌پوست کشته و ۵۱ نفر زخمی شدند، نویسنده‌ای سفید پوست آمریکایی در دسامبر ۱۸۹۰ نوشت:^{xxvi}

روزنامه پایونیر^{xxvii} قبلاً اعلام کرده بود که امنیت ما تنها به نابودی کامل سرخ‌پوستان بدست می‌آید. برخورد ما با آنها قرن‌ها اشتباه بود، بهتر است یک اشتباه دیگر هم مرتکب شویم، برای حفظ تمدن خود، و این موجودات وحشی و رام‌نشده را از روی زمین محو کنیم. امنیت شهرنشینان ما و سربازانی که تحت فرمان فرماندهان بی‌کفایت هستند، در این است. در غیر این صورت، ممکن است که سال‌های آینده مانند گذشته با سرخ‌پوستان در دسرهای جدی داشته باشیم.

گویاترین نمونه انسانیت‌زدایی در سیاست غرب را در ایدئولوژی آلمان نازی مبنی بر برتری نژاد آریایی می‌بینیم.

سیاست نژادپرستانه آپارتاید در آفریقای جنوبی نمونه دیگر است.

انسان‌زدایی در اندیشه‌های اسلامی

هر چند حضرت محمد با ابداع جهاد، غنیمت و شهید یک ساختاره یا فرمول همواره‌بردار برای مسلمانان جهادی ایجاد کرد و از آن به طور وسیع برای گسترش اسلام استفاده کرد، ولی باز برای از کار انداختن کامل همدلی یا هم‌احساسی^{xxviii} و وجدان انسانی نیاز به سازوکاری دیگر در اندیشه‌های اسلامی بود.

سه‌گانه جهاد، غنیمت و شهید در هر حالتی برد است. اگر در جنگ زنده بمانی و پیروز شوی، غنیمت‌گرفتن اموال و اسیر گرفتن زنان و دختران دشمنان پاداش شما است و اگر کشته شوی هم شهید می‌شوی و در آن جهان حوریان، غلمان، جوی‌های شراب و شیر و عسل، آواز دختران و هم‌آغوشی بی‌نظیر در انتظار شما است.^{xxix}

جنگ‌های خونین در تاریخ اسلام از یورش‌های صدر اسلام و عصر خلفا گرفته تا جنگ‌های میان فرقه‌های بی‌شمار مسلمانان با یکدیگر تا جنگ‌های صلیبی و... اثرات روانی بسیار سنگین بر مسلمانان داشته و انسانیت‌زدایی از قربانیان و از کار انداختن وجدان انسانی و همدلی و هم‌احساسی گسترده را بسیار ضروری ساخته است. از این‌رو در دربخش‌های مختلف اندیشه‌های مسلمانان از قرآن و فقه گرفته تا حدیث و فلسفه و عرفان و کلام، تلاشی گسترده برای انسانیت‌زدایی غیرمسلمانان صورت گرفته است.

قرآن

قرآن خدا را قادر به همه‌چیز می‌داند. خدا قادر به هر کاری است و هیچ پدیده‌ای بدون اجازه او صورت نمی‌گیرد. قرآن انسان را جاهل، ضعیف، عجز، مال‌دوست، بخیل، حریص و ستیزه‌جو می‌داند. به نظر می‌رسد بدون اجازه خدا عده‌ای کافر می‌شوند. آنگاه خدا در قرآن (یا دقیق‌تر حضرت محمد در عربستان) در سوره‌ی التوبة (۹) آیه‌ی ۱۴ به انسان‌های مسلمان پاک و منزّه و خداپرست دستور می‌دهد کافران را که از آنها انسانیت‌زدایی کرده است، بکشید تا دلتان خنک شود:

با آنان بجنگید خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های مؤمنان را خنک می‌گرداند.

خدا از قدرت مطلق خودش که مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ است استفاده نمی‌کند بلکه به جهادگران مسلمان ماموریت این کار را می‌دهد و به آنان با غنیمت اموال و برده‌کردن زن و دختر کافران پاداش می‌دهد.

فقه

در فقه اسلامی انسان‌ها به انسان‌های مُسَلَّم و کافر، ذمی یا حربی، برده یا آزاد، زن و یا مرد تقسیم می‌شوند. در این دسته‌بندی یکی انسان‌تر و دارای حقوق بیشتر است و دیگر کمتر انسان است و یا حتی انسان نیست و دارای حقوقی نازل‌تر و یا بی‌حقوق. فقه اسلام با نجس دانستن انسان‌های غیرمسلمان یک انسانیت‌زدایی ساده و روشنی و غیرانسانی را جا می‌اندازد.

عرفان

در عرفان اسلامی بحث انسان کامل و انسان ناقص مطرح می‌شود. هرچند برخی از عرفا روی دعوت به پیمودن مراتب معنویت و رسیدن به انسان کامل پافشاری دارند، ولی عده‌ای با این تقسیم‌بندی به انسانیت‌زدایی از عموم انسان‌هایی که ناقص می‌پندارند می‌رسند و ماموریت خویش به امر به معروف و نهی از منکر.

مفهوم انسان کامل، هر چند با برداشت و اهداف گوناگون، در اندیشه بسیاری عارفان مسلمان دیده می‌شود. از عطار و بابزید و عین‌القضات و ابن عربی و نسفی گرفته تا سیدحیدر آملی، شاه نعمت‌الله ولی، جامی و مولوی و بسیاری دیگر.

برای نمونه عزیزالدین نسفی می‌نویسد:

ای درویش، بسیار از آدمیان صورت آدمیان دارند، اما معنی آدمیان ندارند، از حساب بهایمند و صفات و افعال بهائتم در ایشان ظاهر است.

ای درویش، علامت آدمی چهار چیز است! اقوال نیک و افعال نیک و اخلاق نیک و معارف، هر که این چهار چیز دارد آدمی است و هر که ندارد نه آدمی است، هر که این چهار چیز به کمال رسانید او انسان کامل است.

عبدالکریم جیلی از شارحان برجسته ابن عربی در کتاب «الانسان الکامل» می‌نویسد: "انسان یا کامل است و یا حیوان." بکارگیری ایده انسان کامل در سیاست و فقه راهگشای ایده مرید و مرشد، مقلد و مجتهد، خلافت، امامت و ولایت بود که قدرت و سلطه مادی و فکری روحانیون را فراهم کرد. تفکر مستقل و اندیشیدن جای خود را به پیروی از فتوای روحانیون داد.

تاریخ و حدیث

در دوران حیات حضرت محمد هیچ زندگی‌نامه‌ای از او نوشته نشد. حدود دویست سال پس از مرگ حضرت محمد عده‌ای به فکر جمع‌آوری حدیث افتادند و بیشتر از از فردی که یک فردی که حضرت محمد را ملاقات کرد، هرکس برای اثبات نظرات و تأمین منافع خود حدیث جمع‌آوری کرد.

در سال‌های میان ۲۵۵ تا ۲۷۰ هجری قمری و به مدت تقریباً ۱۴ سال، سیاه‌پوستان در واکنش به فقر و محرومیت و زندگی سخت و تبعیض‌آمیز در جامعه اسلامی، و اعتراض به دروغ بزرگ برابری سید قریشی و بلال حبشی، به رهبری علی ابن محمد ملقب به صاحب زنج در بصره علیه خلافت عباسی شورش کردند و پایه‌های آنرا لرزاندند.

زنج‌ها (زنگی‌ها) به رهبری صاحب زنج متحد شده برای آزاد خود قهرمانانه جنگیدند. این شورش از بصره تا حوالی بغداد و در سراسر بین‌النهرین خلافت را به چالش کشید. پیش از این تاریخ نیز بردگان سیاه در سال ۷۵ هجری در مدینه قیام کردند ولی توسط حجاج ابن یوسف ثقفی سرکوب شدند و همچنین در سال ۱۴۰ هجری در مدینه قیام کردند و حتی والی مدینه را از شهر بیرون کردند اما سرانجام سرکوب و پراکنده شدند. قیام زنگیان سیاسی-اقتصادی بود، آنها خواهان آزادی و بهبود زندگی خود بودند.

با این سابقه از ادیخواهی کارخانه حدیث‌سازی اسلامی تولید روایت کرد:

عُقبه بن عامر از محمد بن عبدالله روایت کرده که: «خبائث و پلیدی اگر هفتاد جزء باشد، شست و نه جزء آن در بربرهاست (سیاهان آفریقا) و یک جزء آن در جنیان و دیگر انسان‌ها.»^{xxx}

از ابن عباس نیز روایت شده که نزد پیامبر از سیاهان سخنی رفت و او فرمود: «سخن از سیاهان نزد من نگویند که سیاه پوست تنها به شکم و شهوتش می‌اندیشد.»^{xxxii}

در اسلام برای انسانیت‌زدایی از مخالفان سیاسی و عقیدتی حتی دست به جعل حدیث می‌زنند.

علم کلام

ابن راوندی یکی از متکلمان اسلامی در نقد کتاب «فضیله المعتزله» از «جاحظ»، کتابی به نام «فضیحه المعتزله» نوشت. ابن راوندی در این کتاب به عنوان یک متکلم ضد معتزلی به متکلمان معتزلی چنین انتقاد می‌کند: «معتزلیان باور دارند که یک سیاه پوست هم می‌تواند شعر بسراید و نامه بنویسد!» این بحث کلامی نشان می‌دهد برخی متکلمان اسلامی، سیاهان و بردگان را در چنان مراتب نازلی از انسانیت می‌بینند که اصلاً نمی‌توانند تصور کنند که آنها بتوانند مانند دیگران شعر بسرایند و نامه بنویسند.

ابن راوندی، خواسته یا ناخواسته همان موضع اجتماعی‌ای را نمایندگی می‌کند که با هدف توجیه ساختارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، از سیاهان انسانیت‌زدایی می‌کند.

در آموزه‌های اسلامی به ویژه فقه، مرد نسبت به زن، بالغ نسبت به کودک، سفیدپوست نسبت به سیاه پوست، عرب نسبت به عجم و در خود اعراب، قریشی نسبت به غیر قریشی، مسلمان نسبت به کافر و در خود مسلمانان، عالم دین نسبت به و عوام، انسانیت بیشتر و در نتیجه امتیاز حقوقی بیشتر دارند.

شی‌انگاری زن

شی‌انگاری نوع بسیار رایج انسانیت‌زدایی است. برخورد شی‌انگانه، ابزاری و کالاگونه با زنان را در برخی باورهای مذهبی، سنت‌های اجتماعی، تبلیغات تجاری و فیلم‌های هرزه‌نگاری^{xxxiii} می‌بینیم.

مارتا نوسبوم^{xxxiii} فیلسوف آمریکایی، حداقل هفت مفهوم^{xxxiv} و یا مولفه را برای شی‌انگاری زنان شناسایی کرد (Nussbaum, 218):

- ۱ - ابزار بودن. فرد شی‌انگار با انسانی که شی یا چیز می‌پندارد به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود رفتار می‌کند.
- ۲ - نفی خودمختاری. فرد شی‌انگار با انسانی که شی یا چیز می‌پندارد چون فردی فاقد استقلال و خودمختاری برخورد می‌کند.
- ۳ - بی‌جنبشی. فرد شی‌انگار با انسانی که شی یا چیز می‌پندارد به عنوان فردی فاقد کنشگری و عاملیت و گاه حتی فاقد تحرک رفتار می‌کند.
- ۴ - تعویض‌پذیری. فرد شی‌انگار با انسانی که شی یا چیز می‌پندارد را به عنوان قابل تعویض، معامله و مبادله رفتار می‌کند: (الف) با سایر اشیاء از همان نوع و یا (ب) با اشیاء از انواع دیگر.
۵. تجاوزپذیری. فرد شی‌انگار انسانی را که شی یا چیز می‌پندارد، فاقد حریم خصوصی و مرز می‌داند، که اجازه دارد به آن تجاوز کند.

اما اسلام در شی‌انگاری زنان سنگ تمام می‌گذارد. در سوره البقرة (۲)، آیه ۲۲۳ آمده است:

يَسْأَلُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ (۲۲۳)

زنان شما کشتزار (محل بذرافشانی) شما هستند پس از هر جا و هر گونه که می‌خواهید به کشتزار خود در آید. آنها را برای خودتان بخواهید.

زن اینجا دیگر یک انسان نیست که اراده، احساس و عاطفه داشته باشد. محل پاشیدن بذر برای بچه آوردن است. می‌توانی پای بر آن بگذار و با آن هر طور که میل داری رفتار کنی. زن انسانیت‌زدایی شده است و او یک شی است. حتی حیوان هم نیست. او کشتزار است. می‌توانی پای بر آن بگذاری.

خامنه‌ای - استاد انسانیت‌زدایی

انقلابی که با وعده بهبود زندگی این جهانی و آن جهانی مردم را بسیج کرد، به جهنم مردم ختم شد. مردم خونبارترین اعتراضات خیابانی^{xxxv} در تاریخ ایران را تجربه می‌کنند. خامنه‌ای نشان داد در بیش از سه دهه در جایگاه رهبر و فرمانده کل نیروهای مسلح ایران، یکی از ماهرترین استادان انسانیت‌زدایی «مستضعفان» است تا نیروهای سرکوبگر که بیشتر آنها ریشه در خانواده‌های «مستضعفان» دارند، بتوانند برادران و خواهران خود را با وجدانی آسوده سرکوب و کشتار کنند.

خامنه‌ای مردم گرسنه، جوانان بیکار و انسان‌های جان به لب رسیده از گرانی را "اوباش"، "اشرار"، "مفسد"، "محارب"، "کاغذ مچاله"، "خس و خاشاک"، "علف هرز" یا "حشره" معرفی می‌کند، و فرمان می‌دهد: "مثل علف هرز درو کنید." رفتار نیروهای سرکوبگر حکومتی و مقلد او با مردم در خیابان‌ها و بازداشتگاه‌ها، متناسب با این نگاه رهبر آنها با مردم است.

یک الگوهای مشخص در ادبیات سیاسی آقای خامنه‌ای، معرفی معترضان به حکومت در خیابان‌ها و به ویژه آنهایی که رو در روی نیروهای امنیتی ایستاده اند، به عنوان "جنایتکارانی" بوده که با "انسان"‌های معمولی تفاوت دارند. این ادبیات، با تاکید بر جدا کردن حساب "مردم" از چنین معترضانی همراه بوده که انگار، دیگر انجام "هر" رفتاری با آنها مجاز است.

در پی اعتراضات ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۷۱ حاشیه‌نشینان «کوی طلاب» به تخریب خانه‌هایشان در شهر مشهد، خامنه‌ای در سخنرانی ۲۰ خرداد خود از معترضانی سخن گفت که به زعم او- "اراذل و اوباش" بودند و باید "درو" می‌شدند: ضدانقلاب وارد ماجرا می‌شود منتهی از زمینه‌های فاسد و مرداب‌های گندیده استفاده می‌کند. این اراذل و اوباشی که گفته شد، بعضی تعجب نکنند. وجود دارد چنین چیزی: یک قشر رذل اوباش چاقوکش، که اقلیت معدودی هستند، مفتخورها و لاشخورهای جامعه، که دستگاه‌های انتظامی باید با اینها برخورد کنند. مثل علف هرزه، باید اینها را بکنند و درو کنند و دور بیندازند.^{xxxvi}

او در ادامه سخنرانی خود در جمع نمایندگان مجلس، در اشاره ای مبهم به منتقدان سیاسی داخل کشور هم گفت: "آن تفاله‌ها و مغلوب شده‌ها و شکست‌خورده‌های جنگ بدر و خنین‌اند که امروز از این گوشه و آن گوشه سر بلند می‌کنند و میدان‌دار می‌شوند و از اراذل و اوباش هم استفاده می‌کنند." آقای خامنه‌ای سپس نقش ویژه نیروهای لباس شخصی در برخورد با "تفاله" های مورد اشاره را گوشزد کرد: "جوانان حزب‌اللهی کشور و نیروهای مؤمن و مخلص و همان‌هایی که صحنه‌های جنگ را اداره کردند و بسیجی‌هایی که در طول این سالهای متمادی بارهای سنگین را بر دوش گرفتند و خانواده‌های شهدا و امثال آنان، اینها هستند که در صفوف مقدم باید قرار گیرند."

خامنه‌ای در مورد وقایع حمله به کوی دانشگاه تهران سال ۱۳۷۸ با انتشار پیامی مکتوب در ۲۲ تیر می‌نویسد: دو روز است که جمعی از اشرار با کمک و همراهی برخی از گروهک‌های سیاسی ورشکسته و با تشویق و پشتیبانی دشمنان خارجی در سطح تهران، به فساد و تخریب اموال، و ارباب و عربدهجویی پرداخته و موجب سلب امنیت و آسایش مردم شده‌اند... غافل از این که ملت مؤمن و شجاع و هوشیار به آنان و اربابان و پشتیبانان آنان اجازه‌ی ادامه شرارت را نخواهند داد و نظام مقتدر اسلامی، آنان را به‌شدت منکوب خواهد کرد.^{xxxvii}

پیام، پس از اعلام اینکه "به مسئولان در دولت و به خصوص مسئولان امنیت عمومی تاکید شده است که با درایت و قدرت، عناصر مفسد و محارب را بر جای خود بنشانند"، با این عبارت شدیدالحن خاتمه می‌یابد: "فرزندان بسیجی‌ام باید آمادگی‌های لازم را در خود حفظ کنند و با حضور خود در هر صحنه‌ای که حضور آنان در آن لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند."

حدود دو هفته پس از این فرمان مکتوب، خامنه‌ای در نماز جمعه تهران، پیروزمندانه از نابودی "خس و خاشاک‌ها" و "اراذل و اوباش" و "حشرات" به دست بسیج و سپاه ابراز رضایت کرد. او در خطبه‌های ۸ مرداد ۱۳۷۸ گفت:

بسیج... با سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد شد و به‌طور قاطع، مثل کاغذی که مچاله کنند، دشمن را مچاله کردند... [ملت] با حضور سیل‌آسای خود در خیابان‌ها و در تظاهرات و در اجتماعات، مثل رودخانه‌ای که می‌آید و خس و خاشاک‌ها را پاک می‌کند و از بین می‌برد... ممکن است چهار نفر از نوکران و مزدوران شما در گوشه‌ای باشند و پسران یا دختران آنها هم دانشجو باشند... ولی توده دانشجویان، مؤمن و هوشیار و رشید و آگاهند... خیال می‌کردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه منسجم قوی از ارادل و اوباش درست کنند، که وقتی این ارادل و اوباش به خیابان آمدند، دیگر هیچ کس جلودارشان نیست... نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه اینها دوباره مثل حشرات به لانه‌های خودشان خواهند خزید.

خامنه‌ای نه تنها با حشره خواندن معترضان از آنها انسانیت‌زدایی می‌کند، بلکه تعریفی جدید و بدعت‌گذارانه‌ای از "مستضعفین" می‌دهد که آنها را از نظر سیاسی و اجتماعی فقط به مقلدان خود محدود می‌کند. وقتی فرودستان جامعه علیه فقر و بی‌کرامتی قیام کردند، او در سخنرانی ۶ آذر ۱۳۹۸، بی‌شرمانه برای افراد "فرو دست" جامعه جایگاهی در نظام نمی‌شناسد و در جمع اعضای بسیج مستضعفین می‌گوید:

مستضعفین را بد معنا می‌کنند؛ مستضعفین را به افراد فرو دست یا حالا اخیراً - یعنی این چند سال اخیر باب شده - اقشار آسیب‌پذیر [معنا می‌کنند]، یعنی آسیب‌پذیران؛ نه! قرآن مستضعف را این نمی‌داند... مستضعفین یعنی ائمه و پیشوایان بالقوه‌ی عالم بشریت؛ این معنای مستضعفین است: کسانی که وارثان زمین و همه‌ی موجودی زمین خواهند بود؛ بسیج مستضعفین این است. مستضعف یعنی آن کسی که بالقوه صاحب وراثت عالم است، بالقوه خلیفه‌الله در زمین است، بالقوه امام و پیشوای عالم بشریت است. xxxviii

بدین ترتیب، خامنه‌ای با انسانیت‌زدایی معترضان بارسنگین روانی و عذاب وجدان سرکوب و کشتار را در نیروهای سرکوبگر از بین می‌برد و از "ریشه کن کردن" معترضان سخن می‌گوید، تأکید می‌کند در مورد آنان نباید "حتی اندکی اغماض روا داشت" یا فرمان "منکوب" و "مرعوب" کردنشان می‌دهد، و سرکوبگران به همین شیوه عمل می‌کنند.

جمع‌بندی

انسان‌ها برای به‌چنگ آوردن امکانات مادی و معنوی، برای فرو نشاندن عطش فزون‌خواهی خود، همواره در رقابت و ستیز هستند. سرکوب و کشتار انسان برای انسان سالم آسان نیست. یکی از راه‌های آسان کردن سرکوب دیگران، انسانیت‌زدایی از همنوعان است.

وقتی از دیگران انسانیت‌زدای می‌کنیم، آنها را حیواناتی مادون انسان یا اشیای بی‌جان تصور می‌کنیم. این طرز تفکر ما را قادر می‌سازد تا با جمعیت غیرانسانی پنداشته‌شده، به‌گونه‌ای رفتار کنیم که آن رفتار با انسان‌های دیگر از نظر اخلاقی و وجدانی مجاز نیست - مثلاً کشتن آنها، عقیم کردن آنها یا نقض حقوق اولیه انسانی آنها. انسانیت‌زدایی اغلب نقشی بنیادی در جنگ‌ها، سرکوب‌ها، نسل‌کشی‌ها بازی می‌کند.

تحقیقات روانشناختی در مورد انسانیت‌زدایی در اواخر قرن بیستم آغاز و توسط روانشناسان اجتماعی پژوهش‌های ارزشمند شده است. به‌تازگی، فیلسوفان بحث درباره آن را شروع کرده‌اند که بی‌شک به درک ژرفتر ما درباره این پدیده کمک خواهد کرد. توجه روزافزون روانشناسان و فیلسوفان به این پدیده، پس از قرن‌ها غفلت، با وجود گستردگی این پدیده، نوید تغییر درک ما از آن در سال‌های آینده و جلوگیری از تکرار آن را می‌دهد.

در ایران با وجود تاریخ دیرینه پدیده انسانیت‌زدایی و گستردگی آن در دوران معاصر، توجه جدی به آن نشده است. امید است این نوشته گشایش بحثی سازنده، روشنگر و افشاگر در باره این پدیده باشد.

احد قربانی دهناری

۴ بهمن ۱۴۰۰ - ۲۴ ژانویه ۲۰۲۲

Bain, Paul G. et al. eds. (2013). *Humanness and Dehumanization*. New York: Psychology Press.

Grossman, Dave Lt. Col. (1996). *On Killing: The Psychological Cost of Learning to Kill in War and Society*. USA: Back Bay Books.

Kaufmann, Paulus et al. eds. (2011). [Humiliation, Degradation, Dehumanization - Human dignity violated](#)

LeMoncheck, Linda (1985). *Dehumanizing Women: Treating Persons as Sex Objects*. Totowa, NJ: Rowman and Allenheld.

Nussbaum, Martha Craven (1999). [Sex and Social Justice](#). USA: Oxford University Press.

Smith, David L. (2012). *Less Than Human: Why We Demean, Enslave, and Exterminate Others*. New York: St. Martins Press.

مقاله

گفتمان امنیتی رهبر؛ 'مثل علف هرز درو کنید' – بین سطور

<https://www.bbc.com/persian/iran-features-59299851>

تأملاتی در انسانیت زدایی، اندیشه اسلامی و مسئله انسان کامل

<http://www.nauandeshi.com/tamolati-dar-ensanyat-zadaie/>

هتاک‌های آیت‌الله خامنه‌ای

https://www.radiofarda.com/a/o2_ganji_on_the_supreme_leader_language/2339404.html

French, Shannon E. and Jack, Anthony I. (2014). "Dehumanizing the enemy: the intersection of neuroethics and military ethics." In Whetham, David, *Responsibilities to Protect: Different Perspectives*. Leiden: Martinus Nijhoff.

Goof, Phillip; Eberhardt, Jennifer; Williams, Melissa; Jackson, Matthew (2008). ["Not yet human: implicit knowledge, historical dehumanization, and contemporary consequences"](#) (PDF). *Journal of Personality and Social Psychology*. 94 (2): 292–306. Retrieved 19 Jan 2022.

Haslam, Nicholas (2013). 'What is dehumanization?' In Bain, Paul, et. al. (eds.) *Humanness and Dehumanization*. New York: Psychology Press, 34-48.

Haslam, Nick (2006). ["Dehumanization: An Integrative Review"](#) (PDF). *Personality and Social Psychology Review*. 10 (3): 252–264.

Jack, Anthony I. et al. (2013). "Seeing Human: Distinct and Overlapping Neural Signatures Associated with Two Forms of Dehumanization", *Neuroimage* 79, pp. 313-328.

Kelman Harold. C. (1973). "Violence Without Moral Restraint: Reflections on the Dehumanization of Victims and Victimizers", *Journal of Social Issues* 29, pp. 25-61.

Leyens, Jacques-Philippe, et al. (2000). "The Emotional Side of Prejudice: The Attribution of Secondary Emotions to Ingroups and Outgroups", *Personality and Social Psychology Review* 4, pp. 186-197.

Maiese, Michelle (2003). "Dehumanization" Beyond Intractability. Eds. Guy Burgess and Heidi Burgess. Conflict Information Consortium, University of Colorado, Boulder.
<<https://www.beyondintractability.org/essay/dehumanization>>.

Mikkola, Maria (2011) "Dehumanization", In Brooks, Thom (ed.), *New Waves in Ethics*. New York: Palgrave-Macmillan, pp. 128-149.

Smith, D. (2014). Dehumanization: psychological aspects.
<https://eugenicsarchive.ca/discover/connections/53d82f9d4c879d0000000000a>

Smith, David L. (2014). "Dehumanization, Essentialism, and Moral Psychology", *Philosophy Compass* 9, pp. 814-824.

ویدنو

Dehumanizing the Enemy

<https://www.facinghistory.org/resource-library/video/dehumanizing-enemy>

The Psychology of Dehumanization

<https://www.youtube.com/watch?v=QuNbNNqtMvs>

کلید واژه

انسانیت‌زدایی، نالانسان‌کردن، اهریمن‌سازی، حیوان‌سازی، هتک حرمت، ناسزا گفتن

Dehumanization, Dehumanizing

Abstract

When we dehumanize other, we conceive of them as subhuman animals or inanimate objects. This way of thinking enables us to treat the dehumanized people in the ways that it would be morally not allowed to treat other human beings—for example, killing them, sterilizing them, or violating their basic human rights. Dehumanization has often played a role in eugenics, by mark out those who are regarded as genetically inferior as less than human.

Psychological research into dehumanization began in the latter part of the 20th century, and there is now a robust literature on it by social psychologists. Recently, philosophers have begun to take an interest in the subject and are beginning to contribute to our understanding of it. The increasing attention being paid to this phenomenon by psychologists and philosophers, after centuries of neglect, promises to transform our understanding of it in years to come.

Ali Khamenei, as the leader and commander-in-chief of the Iranian Armed Forces, one of the most skilled masters of the dehumanization. He calls hungry and unemployed people as "thugs", "villains", "corruptors", "warriors against God and the state", "crumpled paper", "scum", "weeds" or "insects". He commands: "Reap them like weeds."

پانوشت

- ⁱ برگردان Dehumanization می‌تواند انسان‌زدایی، آدم‌زدانی، کرامت‌زدایی یا انسانیت‌زدایی باشد. تا ببینیم کدام برگردان بیشتر مورد پسند همه است. من در این نوشته انسانیت‌زدایی را برگزیدم.
- ⁱⁱ Diego Mateo López Zapata (1664-1745) in his cell before its trial by the Inquisition Court of Cuenca by Francisco Goya (1746-1828)
- ⁱⁱⁱ Personification
- ^{iv} Jurisprudence, یا legal theory
- ^v Genome
- ^{vi} commodify
- ^{vii} Morgan Godwyn, Anglican clergyman
- ^{viii} David Hume
- ^{ix} Treatise of Human Nature
- ^x [Jacques-Philippe Leyens](#) (1942-2017)
- ^{xi} in-groups vs. out-groups
- ^{xii} احساسات و هیجان‌های اولیه (primary emotions)، احساسات و هیجان‌های بسیار بنیادی هستند مانند خشم و ترس که بسیاری از حیوانات هم دارند.
- ^{xiii} احساسات و هیجان‌های ثانویه (secondary emotions) احساسات و هیجان‌هایی هستند که از لحاظ شناختی پیچیده ترند و احساسات متمایز انسانی هستند.
- ^{xiv} inhumanization
- ^{xv} Nicholas Haslam, University of Melbourne - School of Psychological Sciences
- ^{xvi} Human nature traits
- ^{xvii} uniquely human traits
- ^{xviii} mechanistic dehumanization
- ^{xix} animalistic dehumanization
- ^{xx} United States Public Health Service (USPHS or PHS)
- ^{xxi} Auschwitz, Mauthausen
- ^{xxii} Ota Benga
- ^{xxiii} Hopi people
- ^{xxiv} Tulsa Race Massacre
- ^{xxv} Wounded Knee Massacre
- ^{xxvi} "[L. Frank Baum's Editorials on the Sioux Nation](#)". Archived from [the original](#) on December 9, 2007. Retrieved 2022-01-10.
- ^{xxvii} The Pioneer
- ^{xxviii} Empathy
- ^{xxix} جالب این است که اعمالی که در این جهان حرام است و مجازات‌های تعزیری و تکفیری دارد، مثل شراب نوشیدن، همجنس‌گرایی و شنیدن آواز زن، در آن جهان پاداش است: پیامبر اکرم(ص): همانا بهشتیان به چیزی بیشتر از نکاح اشتها ندارند و لذت نمی‌برند. (کتاب لثالی، ص ۵۰۳)
- حوری از خیمه خود بیرون آید و روی به تخت مؤمن بخرامد و چون به نزد مؤمن می‌آید با پانصد سال از سالهای دنیا همدیگر را بوسه زند که برای هیچ کدامشان، خستگی و ملال حاصل نمی‌گردد. هر مؤمنی را هفتاد زوج از حوران می‌دهند و چهار زن از آدمیان، که ساعتی با حوری صحبت می‌دارد و ساعتی با زن دنیا و ساعتی با خود خلوت می‌کند و بر گرسی‌ها تکیه زده‌اند و بایکدیگر صحبت می‌دارند. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۵۷، ح ۹۸)
- بیشتر نهر های بهشتی از نهر کوثر است که در کناره آن دختران نار پستان (مانند گیاه) می‌رویند. در بهشت نهری وجود دارد که در دو طرفش دختران باکره سفید روی و سفید پوش نشسته‌اند و مشغول تغنی (آواز خواندن) هستند. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۹۶)
- دوشیزگان با چنان صدایی می‌خوانند که خلاق تا کنون چنین صدایی را نشنیده‌اند و این نعمت، بالاترین نعمت بهشتی است این دوشیزگان به تسبیح (ذکر صفات الهی) تغنی میکنند. (بحار الانوار ص ۱۲۷)
- هر یک از آن حوریان، هفتاد حله پوشیده‌اند و سفیدی ساق ایشان از زیر هفتاد حله معلوم است. از جماع با هر یک از آن حوریان لذت صد مرد را می‌یابد که هر یک چهار سال خواهش مجامعت و آمیزش داشته باشند و بر ایشان میسر نشده باشد. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۵)
- پس آن مؤمن با قوت صد جوان با آن حوری جماع و آمیزش کند و یک آغوش با او هفتاد سال طول می‌کشد. مؤمن متحیر می‌باشد که نظر به کدام اندام حوری بکند، بر روی او یا بر پشت او یا بر ساق او، بر هر اندام او که نگاه می‌کند از شدت نور و صفا، روی خود را در آن مشاهده می‌نماید. پس در این حال زن دیگری بر او مشرف می‌گردد که خوشروتر و خوشبوی‌تر از او است. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۵)
- هیچ مؤمنی داخل بهشت نمی‌شود مگر آنکه خداوند غنی، پانصد حوری به او عطا می‌فرماید که با هر حوری هفتاد غلام و هفتاد کنیز نیز می‌باشد که هر یک مانند لؤلؤ منثور و لؤلؤ مکنون می‌باشند. (بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۰۵)
- ^{xxx} معجم الکبیر طبرانی، ج ۱۷، ص ۹۹

xxxii Pornography

xxxiii Martha Nussbaum (زاده ۶ مه ۱۹۴۷)

xxxiv instrumentality, denial of autonomy, inertness, fungibility, violability, ownership, and denial of subjectivity

xxxv برخی از خیزش‌های مردم ما علیه جمهوری اسلامی:

- خیزش مردم مشهد در خرداد ۷۱ در اعتراض به تخریب منازلشان
- خیزش مردم قزوین در مرداد ۷۳ در اعتراض به رد لایحه استان شدن قزوین در مجلس
- خیزش مردم اسلامشهر در فروردین ۷۴ در اعتراض به افزایش قیمت حمل و نقل
- خیزش دانشجویان تیرماه ۱۳۷۸ در اعتراض به محدود کردن مطبوعات و بستن روزنامه‌ها
- خیزش سراسری خرداد ۸۸ در اعتراض به نتایج انتخابات قلابی به نفع احمدی نژاد
- خیزش سراسری دی‌ماه ۹۶ در اعتراض به گرانی و سیاستهای اقتصادی دولت روحانی
- خیزش مردم شهرهای جنوب کشور در اردیبهشت ۹۷ در اعتراض به بی‌آبی، و مردم و بازاریان در تهران و سایر شهرها در اعتراض به گرانی و رکود اقتصادی و مردم کازرون در اعتراض به تقسیمات جدید کشوری
- خیزش سراسری آبان ۹۸ پس از اعلام گرانی بنزین
- خیزش همگانی دی‌ماه ۹۸ در اعتراض به شلیک موشک توسط سپاه پاسداران به هواپیمای مسافربری اوکراینی و کشتن ۱۷۶ مسافر
- خیزش مردم سیستان و بلوچستان در اسفند ۹۹ در واکنش به کشته‌شدن سوخت‌بران تهیدست ما به دست سپاه پاسداران
- خیزش مردم خوزستان در تیر و مرداد ۱۴۰۰ در اعتراض به بی‌آبی
- اعتراض گسترده کشاورزان اصفهانی آذر ۱۴۰۰ به قطع حق‌آبه و خشک شدن زاینده‌رود و حمایت گسترده مردم این شهر از آنان

xxxvi نگاه کنید به: [بیانات در دیدار نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی](#)

xxxvii نگاه کنید به: [پیام به ملت شریف ایران](#)

xxxviii نگاه کنید به: [بیانات در دیدار بسیجیان](#)